رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۸، شماره پیاپی ۷۷، آبان ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(8), 2022

نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق‌قلا

The mediating role of early maladaptive schemas in relationship to attachment styles and defense mechanisms with symptoms of post-traumatic stress disorder in married women flooded in Aq Qala city

سونا خاکپور
دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.
افسانه خواجوند خوشلی (نویسنده مسئول)
استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.
رمضان حسن‌زاده
استاد گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران.
جوانشیر اسدی
استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

Sona Khakpour
PhD student in Psychology, Department of Psychology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.
Afsaneh Khajevand khoshali *
Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran. khajevanda@gorganiau.ac.it
Ramazan Hassanzadeh
Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran.
Javanshir Asadi
Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی طرحواره های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان متأهل سیل زده شهرستان آق‌قلا بود. روش پژوهش توصیفی – همبستگی بود. جامعه آماری شامل زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق‌قلا در سال ۱۳۹۸بود که در مراکز بهداشت شهری و خانه‌های بهداشت روستایی، دارای پرونده سلامت بودند. تعداد ۳۷۹ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل فهرست اختلال استرس پس از ضربه (PCL) ودرز و همکاران (۱۹۹۳)، پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ) اندروز و همکاران (۱۹۹۳)، پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان (AAQ) هازان و شاور (۱۹۸۷) و فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ SF) یانگ (۱۹۹۴). از تحلیل معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج نشان داد که اثر مستقیم دلبستگی ایمن (P=۰/۰۲) و مکانیزم‌های دفاعی روان‌رنجو (P=۰/۰۰۶) و اثر غیرمستقیم دلبستگی اضطرابی و مکانیزم‌های دفاعی رشدنایافته با میانجی‌گری طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه معنادار بود (P=۰/۰۱). اگرچه اثر معناداری برای دلبستگی اجتنابی و مکانیزم‌های دفاعی رشدیافته مشاهده نشد، اما مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بود. نتیجه پژوهش بیانگر نقش تبیین-کننده طرحواره‌های ناساگار اولیه در نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در زنان ساکن آق‌قلا با توجه به دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی بود.

واژه‌های کلیدی: *اختلال استرس پس از سانحه، دلبستگی، زنان متأهل سیل‌زده، طرحواره های ناسازگار اولیه، مکانیزم دفاعی.*

Abstract

The purpose of this study is to determine the mediating role of early maladaptive schemas in relation to attachment styles and defense mechanisms with symptoms of post-traumatic stress disorder in married women flooded in Aq Qala city. The research method was a descriptive correlation. The statistical population included women married women who flooded in Aqqala city in 2019 and who had health records in urban health centers and rural health houses. Were selected 379 people by cluster sampling. The research tool consisted of four questionnaires; the post-traumatic stress disorder checklist (PCL) Weathers et al. (1993), the defense styles questionnaire (DSQ) Andrews et al. (1999), the adult attachment questionnaire (AAQ) Hazan and Shaver (1987) and schema questionnaire short form (YSQ SF) Young (1994). Used structural equation analysis to data analyze. The results showed that was significant the direct effect of secure attachment (P = 0.02) and neuroprotective defense mechanisms (P = 0.006) and the indirect effect of anxiety attachment and underdeveloped defense mechanisms mediated by early maladaptive schemas on the symptoms of post-traumatic stress disorder. It was significant from the accident (P = 0.01). Although no significant effect was observed for avoidant attachment and developed defense mechanisms, the research model had a good fit. The result of the research showed the explanatory role of early maladaptive schemas in the symptoms of post-traumatic stress disorder in women living in Aq Qala with regard to attachment and defense mechanisms.

Keywords: *post-traumatic stress disorder, Attachment, Flooded married women, Early maladaptive schemas, Defense mechanism.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : خرداد ۱۴۰۱** **پذیرش: شهریور ۱۴۰۱** **ویرایش نهایی: آبان ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

مقدمه

بر اثر بارش‌های شدید از اوخر اسفند ۱۳۹۷ تا اوایل فروردین ۱۳۹۸ در استان گلستان و به ویژه شهرستان آق‌قلا با توجه به اینکه در مسیر رودخانه گرگانرود قرار داشتند، خسارت‌های سنگینی از سیل را متحمل شدند (رجبی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). نتایج یک بررسی نشان داد که حداقل ۷۷ درصد از نمونه مورد مطالعه از سیل زده‌گان استان گلسان علائم اختلال استرس پس از سانحه را در سطح متوسط و بیش از ۱۵ درصد در سطح شدید داشتند (بذرافشان و همکاران، ۱۳۹۸). به طور کلی نیز به نظر می‌رسد که زنان در مقایسه با مردان آسیب‌پذیری بیشتر در مقابل استرس نشان می‌دهند (جین[1] و همکاران، ۲۰۱۴). طبق راهنمای تشخصیی و آماری اختلال‌های روانی، اختلال استرس پس از سانحه مستلزم این است که فرد در معرض یک رویداد آسیب‌زا بزرگ و یا مشاهده آن قرار گیرد (معیار A). برای چنین فردی، چهار دسته از علائم وجود دارد که باید بعد از گذشت یک ماه آشکار شود. اول، لازم است حداقل یکی از علائم زیر را تجربه مجدد کند: خاطرات ناراحت کننده مزاحم، رویاهای ناراحت کننده مکرر، پریشانی روانی شدید یا طولانی در مواجهه با یادآوری تروما (ملاک B). فرد باید از یادآوری‌های درونی (مثلاً افکار، خاطرات) و/یا بیرونی (مثلاً موقعیت‌ها، گفتگوها) تروما اجتناب کند (ملاک C). حداقل دو علامت "تغییر در شناخت و خلق" مورد نیاز است (برای مثال کاهش قابل توجه علاقه، احساس بیگانگی از دیگران و ناتوانی در تجربه احساس‌های مثبت) (ملاک D). در نهایت، فرد باید حداقل دو مورد از علائم برانگیختگی زیر را ارائه دهد: رفتار تحریک‌پذیر و طغیان عصبانیت، رفتار بی‌پروا یا خود ویرانگر، هوشیاری بیش از حد، واکنش مبالغه‌آمیز مبهوت کننده، مشکلات تمرکز، اختلال خواب (ملاک E) (انجمن روان‌پزشکی آمریکا[2]، ۲۰۱۳). سیل عامل مستعد کننده نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه است و عوامل روان‌شناختی و خانوادگی در شیوع این علائم نقش غیرقابل انکاری دارند (مائو[3] و همکاران، ۲۰۲۲). به نظر می‌رسد نظریه دلبستگی با توجه به دیدگاهی که در مورد توانایی افراد در پاسخ مثبت به استرس و دریافت حمایت از جانب دیگران دارد، احتمالا در تبیین استرس پس از سانحه مفید باشد (مارشال و فرزیر[4]، ۲۰۱۹).

نظریه دلبستگی[5] درک پژوهشگران را از بقا در طول طول عمر آگاه کرده است و همین امر زمینه را برای بررسی رابطه بین دلبستگی و علائم استرس پس از سانحه فرآهم آورده است، چرا که حوادث آسیب‌زا تهدید کننده بقا و دلبستگی افراد است (بارازون[6] و همکاران، ۲۰۱۹). بررسی عصب‌شناختی نیز حاکی از ارتباط بین دلبستگی و کیفیت پاسخگویی به استرس بوده است؛ به گونه‌ای که دلبستگی با واکنش‌های متمایز فیزیولوژیکی به استرس، از جمله پاسخ‌های مربوط به مراکز مغزی فعال‌ساز استرس و سیستم ایمنی بدن ارتباط دارد (پایترومونا‌کو و پاورس[7]، ۲۰۱۵). تعامل با مراقبین عمدتاً حساس/پاسخگو منجر به دلبستگی ایمن می شود که منجر به رشد پناهگاه و پایگاه‌های امن برقراری ارتباط مورد نیاز برای افراد می‌گردد. اجتناب یک بعد دلبستگی ناایمن است که میزان بی‌اعتمادی فرد به نیات دیگران و تلاش تدافعی برای حفظ استقلال رفتاری و عاطفی را منعکس می‌کند. بعد دیگر اضطراب است که میزان نگرانی فرد از عدم حمایت دیگران را نشان می‌دهد (چرنایک[8] و همکاران، ۲۰۲۱). نشان داده شده که افراد با دلبستگی ناایمن از ظرفیت‌های کمتری برای تنظیم استرس برخوردار هستند و ترشحات کورتیزول بیشتری را نشان می‌دهند (اسکستین – مادری[9] و همکاران، ۲۰۲۱). اعتقاد بر این است که دلبستگی ایمن باعث افزایش انعطاف‌پذیری و محافظت از فرد در شرایط استرس‌زا می‌شود (سیمپسون و رهولس[10]، ۲۰۱۷). همانند دلبستگی، مکانیزم‌های دفاعی نیز ریشه در رشد اولیه افراد دارد و می‌تواند با آسیب‌هایی نظیر استرس پس از سانحه مرتبط باشد (دی گیسپ[11] و همکاران، ۲۰۲۰)

1 Jin
2 American Psychiatric Association
3 Mao
4 Marshall & Frazier
5 attachment
6 Barazzone
7 Pietromonaco & Powers
8 Cherniak
9 Eckstein-Madry
10 Simpson & Rholes
11 Di Giuseppe

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

مکانیزم‌های دفاعی[1] یک بخش قدرتمند از ظرفیت انسان برای حفظ و تعادل حیات روانی است و بدون آن ذهن نسبت به ورودی‌های هیجانی منفی مانند اضطراب و استرس آسیب‌پذیر می‌گردد (کونل[2] و همکاران، ۲۰۲۰). مکانیسم‌های دفاعی به عنوان عملیات ذهنی ناخودآگاه که تعارض‌های داخلی و خارجی را به طور ضمنی تنظیم می‌کند، مفهوم‌سازی می‌گردد (کرامر[3]، ۲۰۱۵). مکانیسم‌های دفاعی با توجه به عملکردشان در زنجیره‌ای از مکانیزم‌های رشدیافته، روان‌رنجور، تا رشدنایافته طبقه‌بندی می‌شوند. مکانیسم های دفاعی رشدیافته مانند شوخ طبعی به فرد کمک می کند تا با تجارب ناخوشایند مانند دوسوگرائی‌ها یا واقعیت‌های ناراحت کننده مقابله کند. آنها را می‌توان به طور انعطاف‌پذیر مورد استفاده قرار داد. مکانیزم‌های روان‌رنجور نیز به طور ناخودآگاه برای تنظیم پریشانی عاطفی به کار می رود. بر خلاف دفاع‌های رشدیافته، هدف آنها اجتناب از تجربه هیجان‌های ناراحت کننده است. زمانی که با انعطاف به کار می‌روند می‌توانند مفید باشند، اما به طور معمول با تجربه درونی پریشانی روانی مرتبط هستند. دفاع‌های رشد نایافته، مکانیسم‌هایی هستند که برای حذف تأثیرات عاطفی تهدیدکننده بالقوه از طریق دفاع‌هایی مانند فرافکنی عمل می‌کنند. برخلاف دفاع‌های رشدیافته که در سطح درون روانی عمل می‌کنند، دفاع‌های رشدنایافته عمدتاً به صورت بین‌فردی به کار می‌روند، بنابراین از دیگران برای تنظیم (ناخودآگاه) پریشانی عاطفی خود استفاده می‌کنند (وایلنت[4] و همکاران، ۱۹۸۶، به نقل از کامپ[5] و همکاران، ۲۰۲۱). استفاده غالب از این مکانیسم های دفاعی به شدت با مشکلات رابطه، اختلالات روانپزشکی و آسیب روانی مرتبط است (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۲۰؛ دی گیسپ و همکاران، ۲۰۱۸). در مقابل به نظر می‌رسد که دفاع‌های رشدیافته از افراد در مقابل شرایط استرس‌زا محافظت کرده و مانع از افزایش تجارب ناخوشایند روان‌شناختی می‌گردد (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۱۹).

این دیدگاه وجود دارد که دلبستگی با واسطه اثرگذاری بر طرح‌ها و پردازش‌های هیجانی و شناختی بر متغیرهای دیگر اثر می‌گذارد (چرنایک و همکاران، ۲۰۲۱) و مکانیزم‌های دفاعی نیز بر حسب انعطاف‌پذیری و تغییر در عواطف این اثرگذاری را اعمال می‌کند (کامپ و همکاران، ۲۰۲۱). یانگ (۱۹۹۹، به نقل از زینل و اوزر[6]، ۲۰۲۰) طرحواره‌های ناسازگار اولیه (EMS)[7] را در جهت معرفی همین پردازش‌ها و طرح‌های هیجانی و شناختی ارائه کرد که ریشه در آسیب‌های دوران کودی و نیازهای برآورده نشده دارد و می‌تواند منجر به رفتارها و هیجان‌های مختل‌کننده شوند. طرحواره‌ها ساختارهای ذهنی سفت و سختی هستند که شامل هیجان‌ها، شناخت‌ها و خاطراتی است که با الگوهای مداوم تجربیات آسیب رسان شکل گرفته و حفظ می‌شوند. ۱۵ طرحواره در قالب ۵ حوزه مورد بررسی و تایید قرار گرفته‌اند که عبارتند از (اوتینگن[8] و همکاران، ۲۰۱۷): ۱- حوزه بریدگی و طرد (محرومیت هیجانی، رهاشدگی بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی بدرفتاری، انزوای اجتماعی بیگانگی، نقص/ شرم)، ۲- خودگردانی و عملکرد مختل (شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب پذیری در برابر ضرر و بیماری، گرفتاری/ خویشتن تحول نیافته)، ۳- دیگر جهت‌مندی (اطاعت و ایثارگری)، ۴- گوش بزنگی بیش از حد و بازداری (بازداری هیجانی و معیار های سرسختانه) و ۵- محدودیت‌های مختل (استحقاق /بزرگ منشی و خویشتن داری/ خود انضباطی ناکافی). فراتر از دیدگاه‌های نظری نیز یافته‌های بدست آمده از برخی پژوهش‌ها حاکی از رابطه معنادار سبک‌های دلبستگی (بلک[9]، ۲۰۱۹؛ بریانت[10] و همکاران، ۲۰۱۷) و مکانیزم‌های دفاعی (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۴؛ نصیرزاده و کراسکیان، ۱۳۹۵) با طرحواره‌های ناسازگار اولیه بوده و برخی از پژوهش‌ها نیز بیانگر رابطه معنادار طرحواره‌های ناسازگار اولیه با استرس پس از سانحه بوده است (بشارت و همکاران، ۱۳۹۳؛ گنجی و همکاران، ۱۳۹۲؛ سالا[11] و همکاران، ۲۰۱۵؛ والبورگ و چیاراملو[12]، ۲۰۱۵). با وجود این نتایج پژوهشی، این خلا وجود دارد که روابط ساختاری میان

1 defense mechanisms
2 Knoll
3 Cramer
4 Vaillant
5 Kampe
6 Zeynel & Uzer
7 early maladaptive schemas (EMS)
8 Oettingen
9 Black
10 Bryant
11 Sala
12 Walburg & Chiaramello

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

این متغیرها مورد بررسی قرار نگرفته است، البته برخی از پژوهش نقش میانجی معناداری برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه میان دلبستگی و با دیگر متغیرها را نشان داده‌اند (کایا و آیدن[1]، ۲۰۲۱؛ واسیلوپولو[2] و همکاران، ۲۰۲۰).

در مجموع به نظر می‌رسد که نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در افراد سیل زده شهرستان آق‌قلا نگران کننده باشد و این مسئله برای زنان حادتر است، چرا که به نظر می‌رسد آسیب‌پذیری بیشتری در مقایسه با مردان در قبال رویدادهای استرس‌زا دارند. بر همین اساس ضروری است که متغیرهای مرتبط و تبیین کننده نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه در این جمعیت مورد بررسی قرار گیرد، تا بتوان مداخله‌ها و آموزش‌های مناسب طراحی و برای این جمعیت و جمعیت آسیب دیده از حوادث مشابه آینده اجرا گردد. همچنین بررسی پژوهش‌ها بیانگر این بود که اگر چه روابط میان سبک دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی تا حدودی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه با واکنش به استرس مورد بررسی قرار گرفته است، با این حال این خلاء وجود دارد که روابط ساختاری آنها با وجود مبانی نظری و پژوهشی لازم مورد بررسی قرار نگرفته است. بر همین اساس پژوهش حاضر در جهت پاسخ به ضرورت‌ها و خلاء بیان شده، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه میان سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های استرس پس از سانحه در زنان متاهل سیل زده شهرستان آق‌قلا صورت گرفت.

روش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان متأهل ۲۰ تا ۵۰ سال شهرستان آق قلا (اعم از ساکنان مناطق شهری و روستایی) بودند که در جریان سیل بهار ۱۳۹۸ ساکن این شهرستان بوده و در مراکز بهداشت شهری و خانه‌های بهداشت روستایی، دارای پرونده سلامت بودند که بر اساس داده‌های موجود این تعداد تقریبا ۳۰ هزار نفر بوده که حجم نمونه لازم با توجه به جدول کریسی و مورگـان[3]، ۳۷۹ نفر است. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود که طی آن شهرستان آق‌قلا و روستاهای تابعه به عنوان خوشه اصلی در نظر گرفته شدند. سپس باتوجه به توزیع جمعیتی مبتنی بر داده‌های موجود در مراکز بهداشت شهری و روستایی، نمونه موردنظر انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: رضایت از شرکت در پژوهش، حداقل سواد خواندن و نوشتن برای شرکت در پژوهش (اتمام پنج کلاس ابتدایی)، عدم اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکی (براساس اظهار نظر شرکت‌کنندگان در پژوهش)، عدم تجربه طلاق در یکسال گذشته، عدم فوت وابستگان درجه یک در ۶ ماه گذشته، عدم ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی تشخیص‌گذاری شده (طبق اظهارنظر شرکت کنندگان در پژوهش). ملاک‌های خروج از پژوهش عبارت بودند از: عدم پاسخگویی به حداقل ۵ درصد از سوالات یکی از پرسشنامه‌ها و درخواست انصراف از پژوهش در حین پاسخگویی به پرسشنامه‌ها. ملاحظات اخلاقی شامل هماهنگی و کسب اجازه برای ورود به محیط پژوهش، رضایت از شرکت در پژوهش، محرمانه ماندن اطلاعات فردی و کسب رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش بود. داده‌ها با استفاده مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و AMOS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

فهرست اختلال استرس پس از ضربه (PCL)[4]: فهرست اختلال استرس پس ازضربه، یک مقیاس خود گزارش‌دهی است که توسط ودرز[5] و همکاران در سال ۱۹۹۳ برای ارزیابی میزان اختلال استرس پس از سانحه و غربالکردن این بیماران از افراد عادی و سایر بیماران با ۱۷ پرسش ساخته شد. نمره‌گذاری فهرست بر روی لیکرت ۵ درجه‌ای (اصلا = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) با دامنه نمرات ۱۷ تا ۸۵ است. این فهرست علایم تجربه مجدد، علایم اجتنابی و علایم بر انگیختگی شدید را مورد بررسی قرار می‌دهد. سازندگان میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و میزان روایی همگرای این فهرست را با مقیاس رویارویی با جنگ ۰/۴۸ و با مقیاس اثر حادثه ۰/۹۰ گزارش داده‌اند که در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده است. در ایران گودرزی (۱۳۸۲) نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۳ و ضریب تصنیف آن ۰/۸۳ است.

1 Kaya & Aydin
2 Vasilopoulou
3 Krejcie & Morgan
4 post traumatic stress disorder checklist (PCL)
5 Weathers

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

همچنین روایی همگرای فهرست با فهرست وقایع زندگی ۰/۳۷ بدست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده ۰/۸۹ بود.

پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ): پرسشنامه سبک‌های دفاعی توسط اندروز و همکاران (۱۹۹۳) به منظور سنجش سبک‌های دفاعی در افراد طراحی و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۴۰ سوال و سه بعد رشد یافته، روان‌رنجور و رشد نایافته مکانیزم‌های دفاعی را بر اساس طیف ۹ گزینه‌ای لیکرت (کاملا مخالفم = ۱ تا کاملا موافقم = ۹) ارزیابی می‌کند. سازندگان میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۵ الی ۰/۸۵ و ضریب آزمون – بازآزمون ۰/۵۶ تا ۰/۷۱ را برای هر سه عامل با بازه زمانی ۱۸ روز گزارش کرده‌اند. همچنین سازندگان روایی همگرایی هر سه عامل را با فوبی اجتماعی معنادار گزارش کرده‌اند (r=-۰/۸۸ تا r=۰/۳۴ و p<۰/۰۱). در ایران حیدری‌نسب و همکاران (۱۳۸۶) روایی همگرایی میان پرسشنامه پنج عاملی شخصیت و پرسشنامه سبک‌های دفاعی را بین ۰/۲۱ تا ۰/۴۰ (P<۰/۰۱) گزارش دادند. همچنین پایایی پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ بین ۰/۸۹ تا ۰/۶۹ و ضریب بازآزمایی را به فاصله دو هفته ۰/۷۵ تا ۰/۷۹ گزارش کردند. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای سه عامل پرسشنامه بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۱ بود

پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان (AAQ)[1]: پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان توسط هازان و شاور (۱۹۸۷) ساخته شده است. این پرسشنامه مشتمل بر ۱۸ ماده که بر روی یک لیکرت ۵ درجه‌ای (به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد =۱ تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد= ۵) پاسخ داده می‌شود و سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی را ارزیابی می‌کند. سازندگان ضمن تایید روایی سازه مدل سه عاملی پرسشنامه، مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰ را برای عامل‌های پرسشنامه گزارش کرده‌اند. همچنین سازندگان همسانی درونی ۰/۶۹ الی ۰/۷۵ را برای پرسشنامه گزارش کرده‌اند. همچنین بوتفیلد[2] و همکاران (۲۰۲۰) ضمن تایید روایی سازه مدل سه عاملی پرسشنامه (RAMSEA =۰/۰۳) مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۳ تا ۰/۸۳ را برای خرده مقیاس‌های پرسشنامه گزارش داده است. در ایران پاکدامن (۱۳۸۰) ضمن تایید روایی محتوایی پرسشنامه، پایای پرسشنامه را به صورت بازآزمایی بین ۰/۳۶ تا ۰/۷۲ برای سه عامل پرسشنامه گزارش کرده است. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای سه عامل پرسشنامه بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۹ بود

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ SF)[3]: یانگ و براون[4](۱۹۹۴) این پرسشنامه را از روی فرم پرسشنامه اصلی و ۲۰۵ سوالی طراحی کرد. فرم کوتاه دارای ۷۵ سوال شش گزینه‌ای است. طریقه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت شش گزینه‌ای است (کاملاً غلط=۱ تا کاملاً درست= ۶). فرم کوتاه این پرسشنامه ۱۵ طرحواره را با ۵ حوزه را می‌سنجد که عبارتند از: ۱- حوزه بریدگی و طرد (گویه‌های ۱ تا ۲۵)، ۲- خودگردانی و عملکرد مختل (گویه‌های ۲۶ تا ۴۵)، ۳- دیگر جهت‌مندی (گویه‌های ۴۶ تا ۵۵)، ۴- گوش بزنگی بیش از حد و بازداری (گویه‌های ۵۶ تا ۶۵) و ۵- محدودیت‌های مختل (گویه‌های ۶۶ تا ۷۵). برای پایایی خرده مقیاس‌های پرسشنامه آلفای کرونباخ از ۰/۶۲ تا ۰/۸۱ و برای نمره کل ۰/۹۶ بدست آمده و روایی واگرایی معناداری با پرسشنامه‌های خودکارآمدی (r = -۰/۴۱ و P=۰/۰۱) داشته است (اوتینگن و همکاران، ۲۰۱۷). در ایران پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۵۴تا ۰/۷۳ و نمره کل آن ۰/۸۶ بدست آمده است (نعامی و پورمیدانی، ۱۳۹۶). همچنین در تایید روایی واگرا، ضرایب همبستگی این پرسشنامه با پرسشنامه عزت نفس (r = -۰/۳۶ و P=۰/۰۱) معنادار بوده است (دیواندری و همکاران، ۱۳۸۸، به نقل از، نعامی و پورمیدانی، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای نمره کل پرسشنامه و ۵ حوزه طرحواره بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۱ بود.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ۳۷۹ زن شرکت کننده در پژوهش نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت کنندگان به ترتیب برابر ۳۸/۷۸ و ۷/۳۶ است و فراوانی (درصد فراوانی) سطح تحصیلات زیر دیپلم، دیپلم و فوق دیپلم و بالاتر به ترتیب ۳۰۰ (۸۲)،

1 adult attachment questionnaire (AAQ)
2 Bodfield
3 Young Schema Questionnaire Short Form (YSQ SF)
4 Young & Brown

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

۳۰(۸) و ۳۹ (۱۰) نفر است. در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و همبستگی آنها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج شاخص‌های توصیفی و آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه متغیرها

متغیر		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
دلبستگی	۱- ایمن	۱							
	۲- اجتنابی	-۰/۴۲**	۱						
	۳- اضطرابی	-۰/۹۰**	۰/۴۲**	۱					
دفاعی مکانیزم	۴- رشدیافته	۰/۴۳**	-۰/۵۶**	-۰/۴۴**	۱				
	۵- رشدنایافته	-۰/۵۵**	۰/۷۵**	۰/۵۳**	-۰/۷۵**	۱			
	۶- روان‌رنجور	۰/۸۹**	۰/۳۶**	۰/۹۵**	-۰/۳۸**	۰/۴۶**	۱		
	۷- طرحواره‌های ناسازگار اولیه	-۰/۴۱**	۰/۵۶**	۰/۴۱**	-۰/۵۲**	۰/۶۵**	۰/۳۶**	۱	
	۸- استرس پس از سانحه	-۰/۷۷**	۰/۹۱**	۰/۲۹**	-۰/۳۵**	۰/۴۳**	۰/۷۶**	۰/۳۴**	۱
	میانگین	۱۵/۲۸	۱۵/۱۸	۱۴/۱۴	۵۵/۸۵	۵۱/۰۶	۴۸/۹۹	۲۴۶/۱۳	۴۶/۷۲
	انحراف معیار	۲/۹۲	۳/۳۸	۲/۸۸	۷/۸۳	۱۰/۶۶	۶/۷۴	۶۸/۹۹	۵
	کجی	۰/۰۰۴	۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۳۵	-۰/۵۰	-۰/۵۹	۰/۵۸	-۰/۹۱
	کشیدکی	-۰/۴۴	-۰/۶۷	-۰/۰۸	۰/۴۰	-۰/۲۹	۱/۱۰	۰/۳۵	۰/۲۶

**= P<۰/۰۱ و *= P<۰/۰۵

نتایج بدست آمده در جدول ۱ نشان می‌دهد که استرس پس از سانحه با هر سه سبک دلبستگی ایمن (r=-۰/۷۷ و P<۰/۰۱)، اضطرابی (r=۰/۹۱ و P<۰/۰۱) و اجتنابی (r=۰/۲۹ و P<۰/۰۱) و هر سه مکانیزم دفاعی رشد یافته (r=۰/۳۵ و P<۰/۰۱)، رشد نایافته (r=۰/۴۳ و P<۰/۰۱) و روان‌رنجور (r=۰/۷۶ و P<۰/۰۱) رابطه معناداری دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه با هر سه سبک دلبستگی ایمن (r=-۰/۴۱ و P<۰/۰۱)، اضطرابی (r=۰/۵۶ و P<۰/۰۱)و اجتنابی (r=۰/۴۱ و P<۰/۰۱)، هر سه مکانیزم دفاعی رشد یافته (r=-۰/۵۲ و P<۰/۰۱)، رشد نایافته (r=۰/۶۵ و P<۰/۰۱) و روان‌رنجور (r=۰/۳۶ و P<۰/۰۱) و استرس پس از سانحه (r=۰/۳۴ و P<۰/۰۱) رابطه معناداری دارد.

با توجه به اینکه شاخص کجی و کشیدگی بدست آمده برای متغیرهای پژوهش در جدول ۱ همگی در محدوده ۲+ تا ۲- قرار دارند، بنابراین شکل توزیع متغیرها در شرایط تقریبا نرمالی قرار دارند. همچنین نتایج جدول ۱ نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی رابطه معناداری دارند (P<۰/۰۱) و از سویی دیگر نیز استرس پس از سانحه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه مثبت و معناداری دارد (P<۰/۰۱)، بنابراین پیش‌فرض رابطه معنادار میان متغیر میانجی با متغیرهای درون‌زا و برون‌زا مدل رعایت شده است. همچنین برای بررسی پیش‌فرض استقلال خطاها از آزمون دوربین – واتسون استفاده شد که مقدار آن ۱/۶۷ بود که در محدوده قابل قبول ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشت. همچنین از آماره تحمل و تورم واریانس برای بررسی عدم هم‌خطی میان متغیرهای پیش‌بین پژوهش استفاده شد که نتایج نشان داد آماره تحمل کمتر ۰/۱۰ و تورم واریانس بزرگتر از ۱۰ برای متغیرهای پیش‌بین وجود ندارد که حاکی از رعایت پیش‌فرض عدم همخطی میان متغیرها است. در شکل ۱ مدل برازش شده پژوهش ارائه شده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

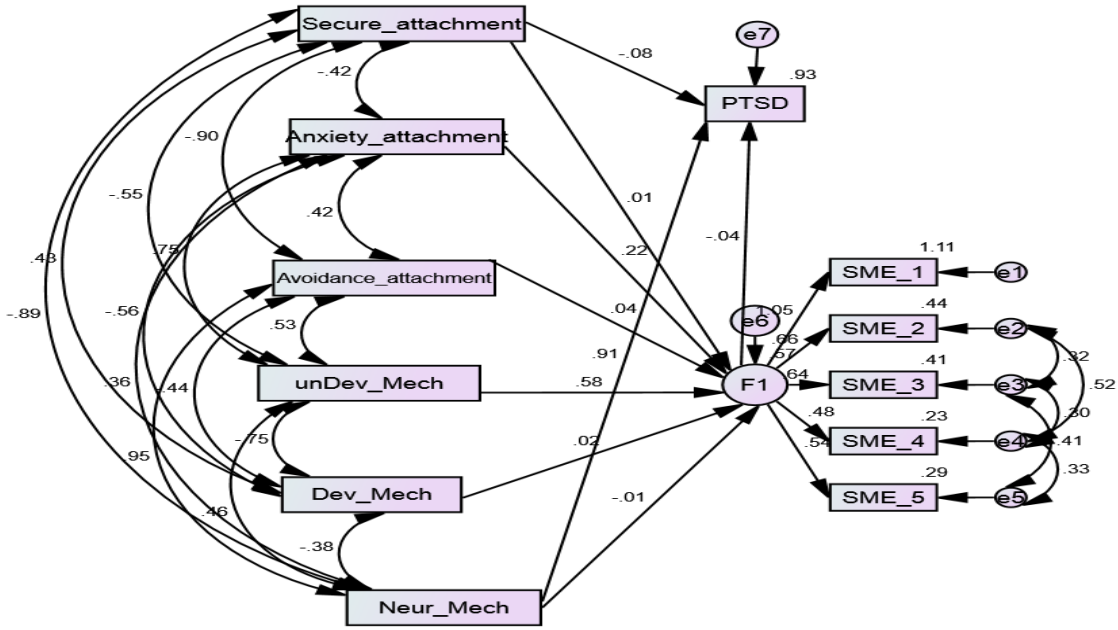

شکل ۱. مدل اصلاحی پژوهش

پی‌نوشت ۱: دلبستگی ایمن = secure.Atchmnt، دلبستگی اضطرابی = Anxiety.Atchmnt، دلبستگی اجتنابی = Avoidance.atchmnt، مکانیزم دفاعی رشد یافته = Dev_Mech، مکانیزم دفاعی رشدنایافته = unDev_Mech، مکانیزم دفاعی روان‌رنجور= Neur_Mech، طرحواره‌های ناسازگار اولیه = F1، طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد= SME_1، طرحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل =SME_2 ، طرحواره‌های حوزه دیگرجهت‌مندی=SME_3 ، طرحواره‌های حوزه گوش به زنگی =SME_4 ، طرحواره‌های حوزه محدودیت‌های مختل=SME_5، آسیب پس از سانحه = PTSD.

در ابتدا مدل پیشنهادی پژوهش مبنی بر "رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با رشد پس از سانحه با میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار اولیه" مورد بررسی قرار گرفت، اما از برازش مطلوبی برخوردار نبود (RAMSE=۰/۱۵). بر همین اساس برای اصلاح مدل مسیرهای اثر مستقیم دلبستگی اضطرابی (β=-۰/۰۵ و P=۰/۰۷)، دلبستگی اجتنابی (β=۰/۰۰۳ و P=۰/۹۲)، مکانیزم‌های دفاعی رشد نیایافته (β=۰/۰۴ و P=۰/۱۰) و رشدیافته (β=۰/۰۱ و P=۰/۴۷) بر استرس پس از سانحه که معنادار نبودند، از مدل کنارگذاشته شد و مبتنی بر شاخص‌های اصلاحی پیشنهاد شده توسط نرم‌افزار AMOS برخی از مقادیر خطا حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه با پیکان دو جهت به یکدیگر متصل گردیدند. نگاره مدل اصلاحی در شکل ۱ ارائه شده است. در جدول ۲ نتایج بررسی اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش بر استرس پس از سانحه ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج اثرات مستقیم متغیرهای مدل پژوهش بر استرس پس از سانحه در مدل اصلاحی پژوهش

مسیر مستقیم	اثر غیر استاندارد	اندازه اثر استاندارد	مقدار تی	P
اثر دلبستگی ایمن بر طرحواره‌های ناسازگار	۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۱۸	۰/۸۹
اثر دلبستگی اضطرابی بر طرحواره‌های ناسازگار	۱/۴۵	۰/۲۲	۵/۰۸	۰/۰۰۹
اثر دلبستگی اجتنابی بر طرحواره‌های ناسازگار	۰/۲۷	۰/۰۴	۰/۳۵	۰/۷۹
اثر مکانیزم‌های رشد یافته بر طرحواره‌های ناسازگار	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۴۲	۰/۷۵
اثر مکانیزم‌های رشد نایافته بر طرحواره‌های ناسازگار	۱/۲۱	۰/۹۱	۱۰/۲۰	۰/۰۰۴
اثر مکانیزم‌های روان‌رنجور بر طرحواره‌های ناسازگار	۰/۰۲	-۰/۰۰۵	-۰/۰۶	۰/۹۷
اثر دلبستگی ایمن بر استرس پس از سانحه	-۰/۱۳	-۰/۰۸	-۲/۴۷	۰/۰۲
اثر مکانیزم‌های دفاعی روان‌رنجور بر استرس پس از سانحه	-۰/۱۳	۰/۹۱	۲۹/۷۴	۰/۰۰۴
اثر طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر استرس پس از سانحه	۰/۶۷	۰/۰۴	۰/۴۷	۰/۰۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

نتایج بدست آمده از جدول ۲ نشان داد که دلبستگی ایمن، مکانیزم‌های دفاعی روان‌رنجور و طرحواره‌های ناسازگار اولیه به ترتیب با اندازه اثرهای استاندارد شده ۰/۰۸- (P=۰/۰۲)، ۰/۹۱ (P=۰/۰۰۶) و ۰/۰۴ (P=۰/۰۰۵) اثر مستقیم معناداری بر استرس پس از سانحه دارند. همچنین اثر مستقیم دلبستگی اضطرابی و مکانیزم‌های دفاعی رشدنایافته بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه به ترتیب با اندازه اثرهای استاندارد شده ۰/۲۲ (P=۰/۰۰۹) و ۰/۹۱ (P=۰/۰۰۴) معنادار بود. در جدول ۳ نتایج اثرات غیر مستقیم به روش بوت استراپ ارائه شده است.

جدول۳. نتایج اثرات غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی بر استرس پس از سانحه در مدل اصلاحی پژوهش

متغیر		اثر غیر استاندارد	اندازه اثر استاندارد	حد پایین	حد بالا	P
سبک	ایمن_ طرحواره ناسازگار_استرس پس از سانحه	۰/۰۰۱-	۰/۰۰۱-	۰/۰۰۵-	۰/۰۰۴	۰/۸۳
دلبستگی	اضطرابی_ طرحواره ناسازگار_استرس پس از سانحه	۰/۰۱-	۰/۰۰۸-	۰/۰۲-	۰/۰۰۳-	۰/۰۰۵
	اجتنابی_ طرحواره ناسازگار_استرس پس از سانحه	۰/۰۰۲-	۰/۰۰۱-	۰/۰۰۹-	۰/۰۰۴	۰/۶۶
مکانیزم	رشد یافته_ طرحواره ناسازگار_استرس پس از سانحه	۰/۰۰۱-	۰/۰۰۱-	--۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۵۷
دفاعی	رشدنایافته_ طرحواره ناسازگار_استرس پس از سانحه	۰/۰۱-	۰/۰۲-	۰/۰۴-	۰/۰۰۸-	۰/۰۰۵
	روان‌رنجور_ طرحواره ناسازگار_استرس پس از سانحه	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶-	۰/۰۰۶	۰/۹۶

نتایج بدست آمده از جدول ۳ نشان داد که فقط دلبستگی اضطرابی و مکانیزم دفاعی رشد نایافته به ترتیب با اندازه اثرهای استاندارد شده ۰/۰۰۸- و ۰/۰۲- (P=۰/۰۱) اثر غیرمستقیم معناداری به واسطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر استرس پس از سانحه دارند و اثر غیر مستقیم معناداری برای سبک‌های دلبستگی ایمن و اجتنابی و همینطور مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته و روان رنجور مشاهده نگردید (P>۰/۰۵). در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل اصلاح شده پژوهش ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص های برازش مدل پژوهش

شاخص	χ^2/df	RMSEA	IFI	CFI	GFI	AGFI
ملاک برازش	≥* ۳	۰/۱۰≥*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*	۰/۹۰≤*
آمارۀ پژوهش حاضر	۳/۰۵	۰/۰۷	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۹۰

برای برازندگی مدل هر مقدار شاخص برازندگی تقسیم x^2 بر درجه آزادی کوچکتر از۳ باشد، برازندگی مدل بهتر است. مقدار بدست آمده در پژوهش حاضر ۳/۰۵ بود که حاکی از برازش تقریبی مدل بود. همچنین به طور کلی هرچه مقدار IFI، CFI، GFI و AGFI به یک نزدیکر باشد و حداقل برابر و یا بالاتر از ۰/۹۰ باشد، حاکی از برازش مطلوب مدل دارد. با توجه به اینکه مقادیر بدست آمده برای چهار شاخص ذکر شده در پژوهش حاضر یا برابر با ۰/۹۰ بوده و یا بالاتر بوده، بنابراین بر اساس این شاخص‌ها مدل پژوهش برازش بسیار مطلوبی دارد.. برای شاخص RAMSEA نیز مقدار کمتر ۰/۰۸ بیانگر برازش مطلوب است که برای مدل پژوهش حاضر برابر با ۰/۰۷ بود. به طور کلی نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقدار بدست آمده برای شاخص‌های برازش در سطح مطلوبی قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی طرحواره های ناسازگار اولیه در رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی با نشانه‌های استرس پس از سانحه در زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق‌قلا بود. نتایج بدست آمده نشان داد دلبستگی ایمن به صورت مستقیم بر نشانه‌های استرس پس از سانحه زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق‌قلا اثر معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های شیخان و همکاران (۱۳۹۶)، بارازون و همکاران (۲۰۱۹)، پایتروموناکو و پاورس (۲۰۱۵) و سیمپسون و رهولس (۲۰۱۷) همسو بود. در تبیین این یافته

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

می‌توان گفت که دلبستگی ایمن در افرادی که دچار یک رویداد استرس‌زا نظیر سیل می‌شوند، احتمالا می‌تواند به کمک گرفتن از منابع حمایتی و دیگران برای مقابله با شرایط پیش‌آمده و کاهش سطح استرس و تنش ایجاد شده منجر شود. این امر از آن جهت است که افراد با دلبستگی ایمن برپایه اعتماد و عدم ترس از نادیده گرفته شدن، با پایگاه‌های امنی که در نزد دیگران برای خود متصور هستند، ارتباط برقرار کنند (چرنایک و همکاران، ۲۰۲۱). این برقراری ارتباط در شرایط استرس‌زا، احتمالا با دریافت حمایت و کمک همراه است. بنابراین می‌توان گفت که زنان متأهل آق‌قلا که دلبستگی ایمن دارند، احتمالا با برقراری روابط ایمن با دیگرانی که مورد اطمینان هستند، کمک بیشتری را تجربه کرده‌اند و به شکل راحتری با شرایط پیش‌آمده ناشی از سیل کنار آمده‌اند و فشار روانی که ممکن بوده منجر به نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه منجر شود، کمتر تجربه کرده‌اند. علاوه بر این باید به این نکته نیز توجه کرد که دلبستگی ایمن با فعالیت کمتر سیستم‌های عصبی مرتبط با استرس و ترشح کورتیزول همراه است (پایتروموناکو و پاورس، ۲۰۱۵). بنابراین می‌توان این احتمال را داد که دلبستگی ایمن در نمونه مورد مطالعه با توجه به اینکه با ادراک و تنش و استرس کمتری همراه بوده است، احتمالا منجر به کاهش ادراک نشانه‌های حداقل بدنی مرتبط با استرس ناشی از سیل پیش‌آمده شده است.

همچنین نتایج نشان داد که دلبستگی اضطرابی به واسطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر نشانه‌های استرس پس از سانحه زنان متأهل سیل‌زده شهرستان آق‌قلا اثر معناداری دارد. این یافته با نتایج بدست آمده از بلک (۲۰۱۹)، بریانت و همکاران (۲۰۱۷)، گنجی و همکاران (۱۳۹۲) و سالا و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در تبیین این یافته بدست آمده می‌توان گفت که آسیب دلبستگی اضطرابی با مولفه‌های مانند محرومیت هیجانی، ترس از طرد، حساسیت به طرد شدن بین فردی و مبتنی بر ظاهر همراه است. این مولفه‌ها تا حدودی هسته هیجانی طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند. به عبارتی طرحواره‌ها ناسازگار شامل مقدار زیادی از هیجان‌های آزار دهنده هستند که در نتیجه تجارب آسیب‌زای اولیه آسیب دلبستگی به وجود آمده و در شرایط مختلف و همراه با طرحواره‌ها فعالیت آنها نیز شروع می‌شود (اوتینگن و همکاران، ۲۰۱۷). برهمین اساس می‌توان استنباط کرد که دلبستگی اضطرابی با توجه به اینکه با هیجان‌های آزادهنده و حساسیت فردی و بین‌فردی همراه است، بنابراین با افزایش فعالیت طرحواره‌های ناسازگار همراه می‌گردد. این امر از آن جهت قابل پذیرش است که دلبستگی اضطرابی با بیش فعال‌سازی سیستم دلبستگی همراه است (چرنایک و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین احتمال بیشتری دارد که طرح‌های هیجانی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه را فعال کنند و با افزایش پریشانی منجر به تجربه نشانه‌های استرس پس از سانحه در زنان متاهل آق‌قلا شده باشد. چرا که افزایش فعالیت طرحواره‌های ناسازگار اولیه همراه با سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد و هیجان‌های مختل کننده است (کی و بارلس[1]، ۲۰۲۰). بنابراین احتمال دارد برای زنان متاهل آق‌قلا که تجربه سیل را داشته‌اند، فعالیت طرحواره‌های ناسازگار، منحر به افزایش حساسیت و شدید شدن استرس سیل شده باشد. البته نتایج پژوهش نشان داد که دلبستگی اجتنابی اثر مستقیم و غیرمستقیم معناداری بر نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه ندارد. این امر احتمالا تا حدودی ناشی از این باشد که افراد با دلبستگی اجتنابی در جهت حفظ استقلال رفتاری و عاطفی عمل می‌کنند و کمتر اجازه تجربه هیجان‌های منفی را می‌دهند (چرنایک و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین این احتمال وجود دارد دلبستگی اجتنابی با توجه به اینکه حداقل مانع فعال شدن و اثرگذاری هیجان‌های منفی می‌شود، به صورت معناداری مجر به افزایش نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه نگردد.

نتایج نشان داد که اثر مکانیزم‌های دفاعی روان‌رنجور به صورت مستقیم بر نشانه‌های استرس پس از سانحه معنادار بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های دی گیسپ و همکاران (۲۰۲۰)، دی گیسپ و همکاران (۲۰۱۸) و دی گیسپ و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مکانیزم‌های دفاعی همراه با پردازش اطلاعات با توجه به شرایط پیش‌آمده هستند. با توجه به اینکه مکانیزم‌های دفاعی روان‌رنجور تا حدودی بیانگر اجتناب‌گری و پاسخ منفعل به شرایط پیش‌آمده است، بنابراین ممکن است با کاهش پاسخ‌های مثبت به شرایط استرس‌زا همراه باشد، چرا که فرد را در موضع منفعل قرار می‌دهد و به جای تلاش در جهت اصلاح شرایط به اجتناب روی می‌آورد. نشانه‌های استرس پس از سانحه به طور مستقیم بعد از سانحه و در کوتاه مدت خودش را نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد که به وسیله استفاده افراد از مکانیزم‌های روان‌رنجوری مانند اجتناب شناختی و سرکوب تشدید می‌گردد. بنابراین، احتمالا استفاده از مکانیزم‌های روان‌رنجور به عنوان یک استراتژی تسکین دهنده در جهت مقابله با سانحه وارد عمل می‌شوند. اما با توجه به اینکه نمی‌توانند در بلندمدت مانع سازگاری و مقابله کارآمد با رویداد استرس‌آفرین می‌شوند، منجر به گسترش واکنش منفی به رویداد استرس‌زا می‌گردد (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین می‌توان استنباط کرد که مکانیزم‌های دفاعی روان‌رنجور بیشتر در جهت اجتناب و انکار رویدادها که گاها

1 Ke & Barlas

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

تهدید کننده هستند، عمل می‌کنند و چون درک درست واقعیت را لحاظ نمی‌کنند، احتمال نشانه‌های استرس پس از سانحه که چندان با واقعیت منطبق نیست را بالاتر می‌برند.

نتایج نشان داد که اثرغیر مستقیم مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته بر نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه با میانجی‌گری طرحواره-های ناسازگار اولیه معنادار بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های آقاجانی و همکاران (۱۳۹۴)، نصیرزاده و کراسکیان (۱۳۹۵) و دی گیسپ و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت مکانیزم‌های دفاعی رشد نایافته با استفاده از راهبردهای مانند انکار و مجزاسازی می‌تواند منجر به رشد واکنش به استرس به صورت منفی گردد، چرا که به صورت غیرانطباقی و با تحریف واقعیت محیطی همراه هستند (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۲۰). با توجه به اینکه مکانیزم‌های دفاعی رشدنیافته با افزایش تنش همراه هستند و فرد را در یک وضعیت خطر مداوم قرار می‌دهند، بنابراین این احساس عدم امنیت و تنش می‌تواند منجر به فعال‌شدن طرحواره‌های ناسازگار گردد. در همین رابطه به نظر می‌رسد که مکانیزم دفاعی رشد نایافته با احساس عدم امنیت رابطه دارد (دی گیسپ و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین این احتمال وجود دارد که مکانیزم دفاعی رشد نایافته با توجه به اینکه منجر به فعال شدن احساس عدم امنیت در طرحواره‌های ناسازگار می‌گردد، به واسطه فعال شدن این طرحواره‌ها که مختل کننده عملکرد و افزایش دهنده عواطف و شناخت‌های منفی از رویدادها است، نشانه‌های اختلال استرس پس از سانحه را در زنان متأهل شهرستان آق‌قلا افزایش دهند.

در مجموع نتایج بدست آمده نشان داد که اثر مستقیم دلبستگی ایمن و مکانیزم‌های دفاعی و اثر غیرمستقیم دلبستگی اضطرابی و مکانیزم‌های دفاعی رشدنایافته به واسطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر نشانه‌ها اختلال استرس پس‌از سانحه در زنان سیل‌زده شهرستان آق‌قلا معنادار بود و فقط برای دلبستگی اجتنابی و مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته اثر معناداری مشاهده نگردید. با این حال نتایج بیانگر این مورد بود که دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی به عنوان متغیرهای بنیادی روان‌شناختی می‌توانند تبیین کننده استرس پس از سانحه در زنان شهرستان آق‌قلا باشد و در این میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند اثرات این متغیرهای بنیادی را به نشانه‌های استرس پس از سانحه انتقال دهند. با توجه به اینکه دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی ساختار پویا و بنیادی شخصیت هستند و ارائه مداخلات در جهت تغییر آنها طولانی مدت و زمان‌بر است، بنابراین برپایه نتایج بدست آمده می‌توان ارائه مداخله‌های مبتنی بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه که از لحاظ زمانی کوتاه‌مدت‌تر هستند، در زمان وقوع حوادثی از این قبیل در اولویت قرار دارد.

با توجه به اینکه نمونه مورد مطالعه از زنان متأهلی تشکیل شده بود که دارای پرونده سلامت در مراکز سلامت شهرستان آق‌قلا بود، بنابراین در تعمیم نتایج آن به عموم جمعیت زنان سیل‌زده شهرستان آق‌قلا محدودیت وجود دارد. همچنین نمونه مورد مطالعه شامل زنان ۲۰ الی ۵۰ سال بود، بنابراین نتایج بدست آمده محدود به این گروه سنی است. با توجه به اینکه نمونه مورد مطالعه شامل زنان بوده، پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های آتی مشابه، نمونه‌ای از مردان مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین نتایج بدست آمده محدود به زنان متاثر از سیل بوده است، بنابراین پیشنهاد می‌شود، جهت بررسی تعمیم‌پذیری نتایج، پژوهش‌های مشابه بر روی افراد متأثر از دیگر بلایای طبیعی مانند زلزله که در ایران نیز نرخ وقوع بالایی دارد، صورت گیرد. از لحاظ کاربردی سازمان‌ها و نهادهای خدمات رسان می‌توانند بر پایه نتایج بدست آمده مداخله‌ها و آموزش‌هایی را برای زنان ساکن آق‌قلا فراهم آورند و یا پروتکل‌های وران‌شناختی شامل بهبود طرحواره‌های ناسازگار اولیه فرآهم آورند تا در مواقع اضطراری که حوادثی از این قبیل رخ می‌دهد، مورد استفاده قرار دهند.

منابع

آقاجانی، ط؛ اصفهانی خالقی، آ. و ارشاد، ز. (۱۳۹۴). *تعیین رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه با مکانیزمهای دفاعی بیماران خود ایمن*. چهارمین کنفرانس بین المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، تهران.

بذرافشان، م؛ نیک فر، ط؛ جهانشاهی، ر. و لکزایی، م. (۱۳۹۸). *بررسی سطح اختلال استرس پس از سانحه در سیل زدگان استان گلستان در سال ۱۳۹۸*. بیستمین کنگره پژوهشی سالیانه دانشجویان علوم پزشکی کشور،کرمانشاه.

بشارت، م؛ محمدی حسینی نژاد، ا. و غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۹۳). نقش واسطه ای راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین ناگویی هیجانی، خشم و نشخوار خشم با سبک های دفاعی من. *روانشناسی معاصر*، ۹(۲ (پیاپی ۱۸))، ۲۹-۴۸. https://bjcp.ir/article-1-609-fa.html

پاکدامن، ش. (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی درنوجوانی*. رساله دکتری روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

رجبی زاده، ی؛ ایوب زاده، س. و ظهیری، ع. (۱۳۹۸). بررسی سیل استان گلستان در سال ۱۳۹۷ ۱۳۹۸ و ارائه ی راه کارهای کنترل و مدیریت آن در آینده. *اکوهیدرولوژی*، ۶(۴)، ۹۲۱-۹۴۲. 10.22059/IJE.2019.283004.1137

شیخان، ر؛ غضنفری، ف؛ جدیدی، ف؛ آدینه، م. و صدرمحمدی، ر. (۱۳۹۵). سبک های دلبستگی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان به عنوان پیش بینی کننده های اختلال استرس پس از سانحه در جانبازان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران (نامه دانشگاه)*، ۲۶(۱۳۷)، ۹۵-۱۰۴. http://jmums.mazums.ac.ir/article-1

گنجی، م؛ محمدی، ج. و تبریزیان، ش. (۱۳۹۲). مقایسه تنظیم هیجان و مکانیسم های دفاعی در مادران دارای دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. *ناتوانی های یادگیری*، ۳(۳ (پیاپی ۶))، ۵۴-۷۲. JLD-2-3-92-2-4

گودرزی، م. (۱۳۸۲). بررسی اعتبار و روایی مقیاس اختلال تنیدگی پس از ضربه می سی پی (اشل). مجله روانشناسی، ۷(۲ (پیاپی ۲۶))، ۱۵۳-۱۷۸. http://fa.journals.sid.ir/ViewPaper.aspx?id=4880

نصیرزاده، ش. و کراسکیان، آ. (۱۳۹۵). مقایسه‌ی رابطه میان طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ساز و کارهای دفاعی و تیپ شخصیتی D درافراد دارای دلبستگی ایمن و ناایمن. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۹(۲)، ۹۶-۱۰۴. 10.22038/JFMH.2017.8496

نعامی، ع. و پورمیدانی، س. (۱۳۹۶). پیش‌بینی گرایش به آرایش براساس طرحوارههای ناسازگار اولیه در زنان و دختران شهر اصفهان. *پژوهش های روان شناختی اجتماعی*، ۲۷ (۱)، ۷۸-۶۸. https://www.socialpsychology.ir/article_67113.html

Andrews, G., Singh, M., & Bond, M. (1993). The Defense Style Questionnaire. *Journal of Nervous and Mental Disease, 181*(4), 246–256. https://doi.org/10.1097/00005053-199304000-00006

American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5* (Vol. 5). Washington, DC: American psychiatric association.

Barazzone, N., Santos, I., McGowan, J., & Donaghay-Spire, E. (2019). The links between adult attachment and post-traumatic stress: A systematic review. *Psychology and psychotherapy: theory, research and practice*, *92*(1), 131-147. https://doi.org/10.1111/papt.12181

Black, T. S. N. (2019). *The Relationship between Trauma and Substance Abuse among Women: An Examination of Treatment Outcomes, Spirituality and Attachment Theory in Recovery* (Doctoral dissertation, The Chicago School of Professional Psychology).

Bodfield, K. S., Putwain, D. W., Carey, P., & Rowley, A. (2020). A construct validation and extension of the adolescent attachment questionnaire (AAQ). *Journal of Social and Personal Relationships*, *37*(12), 3070–3082. https://doi.org/10.1177/0265407520951267

Bryant, R. A., Creamer, M., O'donnell, M., Forbes, D., Felmingham, K. L., Silove, D., ... & Nickerson, A. (2017). Separation from parents during childhood trauma predicts adult attachment security and post-traumatic stress disorder. *Psychological Medicine*, *47*(11), 2028-2035. doi:10.1017/S0033291717000472

Cherniak, A. D., Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Granqvist, P. (2021). Attachment theory and religion. *Current Opinion in Psychology*, *40*, 126-130. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2020.08.020

Cramer, P. (2015). Defense mechanisms: 40 years of empirical research. *Journal of Personality Assessment*, *97*(2), 114-122. https://doi.org/10.1080/00223891.2014.947997

Di Giuseppe, M., Ciacchini, R., Micheloni, T., Bertolucci, I., Marchi, L., & Conversano, C. (2018). Defense mechanisms in cancer patients: a systematic review. *Journal of psychosomatic research*, *115*, 76-86. https://doi.org/10.1016/j.jpsychores.2018.10.016

Di Giuseppe, M., Ciacchini, R., Piarulli, A., Nepa, G., & Conversano, C. (2019). Mindfulness dispositions and defense style as positive responses to psychological distress in oncology professionals. *European Journal of Oncology Nursing*, *40*, 104-110. https://doi.org/10.1016/j.ejon.2019.04.003

Di Giuseppe, M., Perry, J. C., Conversano, C., Gelo, O. C. G., & Gennaro, A. (2020). Defense mechanisms, gender, and adaptiveness in emerging personality disorders in adolescent outpatients. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, *208*(12), 933-941. doi: 10.1097/NMD.0000000000001230

Eckstein-Madry, T., Piskernik, B., & Ahnert, L. (2021). Attachment and stress regulation in socioeconomically disadvantaged children: Can public childcare compensate?. *Infant Mental Health Journal*, *42*(6), 839-850.

Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology*, *52*(3), 511. https://doi.org/10.1037/0022-3514.52.3.511
https://doi.org/10.1002/imhj.21878

Jin, Y., Xu, J., & Liu, D. (2014). The relationship between posttraumatic stress disorder and post traumatic growth: gender differences in PTG and PTSD subgroups. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, *49*(12), 1903-1910. https://doi.org/10.1007/s00127-014-0865-5

Kampe, L., Bohn, J., Remmers, C., & Hörz-Sagstetter, S. (2021). It's Not That Great Anymore: The Central Role of Defense Mechanisms in Grandiose and Vulnerable Narcissism. *Frontiers in psychiatry*, *12*, 661948. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2021.661948

Kaya, Y., & Aydin, A. (2021). The Mediating Role of Early Maladaptive Schemas in the Relationship Between Attachment and Mental Health Symptoms of University Students. *Journal of Adult Development*, *28*, 15-24. https://doi.org/10.1007/s10804-020-09352-2

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]

Ke, T., & Barlas, J. (2020). Thinking about feeling: Using trait emotional intelligence in understanding the associations between early maladaptive schemas and coping styles. *Psychology and Psychotherapy: theory, research and practice*, *93*(1), 1-20. https://doi.org/10.1111/papt.12202

Knoll, M., Starrs, C. J., & Perry, J. C. (2020). Rationalization (defense mechanism). *Encyclopedia of personality and individual differences*, 4301-4305. 10.1007/978-3-319-24612-3_1419

Mao, W., Eboreime, E., Shalaby, R., Nkire, N., Agyapong, B., Pazderka, H., Obuobi-Donkor, G., Adu, M., Owusu, E., Oluwasina, F., Zhang, Y., & Agyapong, V. I. O. (2022). One Year after the Flood: Prevalence and Correlates of Post-Traumatic Stress Disorder among Residents in Fort McMurray. *Behavioral Sciences*, *12*(3), 69. https://doi.org/10.3390/bs12030069

Marshall, E. M., & Frazier, P. A. (2019). Understanding posttrauma reactions within an attachment theory framework. *Current opinion in Psychology*, *25*, 167-171. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.08.001

Oettingen, J., Chodkiewicz, J., Mącik, D., & Gruszczyńska, E. (2017). Polish adaptation of the Young Schema Questionnaire 3 Short Form (YSQ-S3-PL). *Psychiatria Polska*, *82*, 1-12. DOI: https://doi.org/10.12740/PP/OnlineFirst/76541

Pietromonaco, P. R., & Powers, S. I. (2015). Attachment and health-related physiological stress processes. *Current opinion in psychology*, *1*, 34-39. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2014.12.001

Sala, M. N., Testa, S., Pons, F., & Molina, P. (2015). Emotion regulation and defense mechanisms. *Journal of Individual Differences*, 36(1), 19-29. https://doi.org/10.1027/1614-0001/a000151

Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2017). Adult attachment, stress, and romantic relationships. *Current opinion in psychology*, *13*, 19-24. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.04.006

Vasilopoulou, E., Karatzias, T., Hyland, P., Wallace, H., & Guzman, A. (2020). The mediating role of early maladaptive schemas in the relationship between childhood traumatic events and complex posttraumatic stress disorder symptoms in older adults (> 64 years). *Journal of loss and trauma*, *25*(2), 141-158. https://doi.org/10.1080/15325024.2019.1661598

Walburg, V., & Chiaramello, S. (2015). Link between early maladaptive schemas and defense mechanisms. *European Review of Applied Psychology*, *65*(5), 221-226. https://doi.org/10.1016/j.erap.2015.07.003

Young, J. E., & Brown, G. (1994). Young schema questionnaire. *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*, *2*, 63-76. https://doi.org/10.1023/A:1016231902020

Zeynel, Z., & Uzer, T. (2020). Adverse childhood experiences lead to trans-generational transmission of early maladaptive schemas. *Child abuse & neglect*, *99*, 104235. https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2019.104235

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-06]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.8.9.0]